زن «ترانه‌های حورا برهما» ـ تهران : ۱۳۸۸
ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۱۳۵-۰-۷
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا:
۱ ـ شعر فارسی ـ قرن ۱۴ ، زنان – شعر

کتابخانه ملی ایران

عنوان کتاب : زن « ترانه‌های حورا برهما »

نویسنده : حورا برهما

نشر شاد

چاپ اول : ۱۳۸۸

طراح جلد : مهران سیدی

صفحه‌آرایی : دفتر فنی طاها

فهرست

عنوان صفحه

تو این زمونه ۹
عشق گذشته ۱۰
باورم کن ۱۱
نقاشی ۱۲
زن ۱۴
شام غریبان ۱۶
تحمل ۱۷
تنهایی ۱۸
پرسه ۱۹
پشیمون ۲۰
ایران ۲۱
دریای خزر ۲۲
عید ۲۳
فاصله ۲۴
خسته ۲۵
دروغ بگو ۲۶

من واسه تو ۲۷
بی تو ۲۸
تو خیانتکاری ۲۹
عروسک ۳۱
آرزو ۳۲
عشق من ۱ ..... ۳۴
حس عاشقانه ۳۵
آسمون ۳۶
قُمری ۳۷
آدرس ۳۸
بودن و نبودن ۳۹
عروسکم ۴۰
قسمت ۴۲
عشق من ۲ ..... ۴۴
این روزا ۴۵
طلسم ۴۶
اتفاق ساده ۴۷
پرنده جون ۴۸
غرور ۵۰
تابوت ۵۲
خر گیر آوردی ۵۳

به جهّنم ۵۴
بازنشستگی ۵۵
دیوانه‌ام ۵۶
سحر ۵۸
ابر ۵۹
من آدمم ۶۰
مث من باش ۶۲
ساقه‌های گندم ۶۳
چادر چشمات ۶۵
پرستار ۶۶
اسیر بی قفس ۶۷
آدمک ۶۹
کبود آبی ۷۱
هنوزم ۱ ..... ۷۲
سوختم ۷۳
قاب عکس ۷۵
هنوزم ۲ ..... ۷۶
خلاصم کن ۷۷
بوف کور ۷۸
سایه‌ی تو ۷۹
تموم نکن این قصه رو ۷۹

تو این زمونه

تو این زمونه هیچی نمی‌مونه
غصه و غم توی دلا زده جوونه
با خاطراتت تنها می‌مونم
واسه‌ی دل شکستمون تا صبح می‌خونم
راسته که زندگی همش یه انتظاره
یه انتظار بیخوده آخر نداره
دنیای ما دو فصله پاییز و زمستون
تابستونش گم شده و بهار نداره
بیا با هم دیگه بهار و باز بسازیم
بازی و باز شروع کنیم این بار نبازیم
اگه تو باور کنی زندگی همینه
غصه و غم به چشم تو قشنگترینه

عشق گذشته

خیلی صدا تو دوست دارم
طرز نگاتو دوست دارم
وقتی که آهنگ می‌زنی
حال و هوا تو دوست دارم
حتی نباشی پیش من
خاطره‌ها تو دوست دارم
عشق گذشته، عشق گذشته، برگشته
من همون شعرای سوختم
که دوباره جون گرفته
مثل یه زیبای خفته
قلبتو نشون گرفته
من همون شعرای نابم
که می‌گفتی تو قدیمات
نمی دونستی که میشم
ماه پیشونی تو رویات
شعر گذشته، شعر گذشته، برگشته
یاد گذشته، یاد گذشته، برگشته

باورم کن

باورم کن اگه تشنم اگه سیراب
باورم کن اگه بیداری اگه خواب
باورم کن بی تو بودن یه عذابه
واسه تشنه زندگی یه جرعه آبه
باورم کن عشق من یه عشق سادس
نرسیدن به تو با پای پیادس
باورم کن عشق من یه عشق پاکه
اگه حتی تن من از جنس خاکه
باورم کن به خدا که خیلی سادس
من میخوام تو نفست نفس بگیرم
جون بدم واسه نگاه مهربونت
تو هوای بی کسی تو بمیرم
باورم کن زندگی مثل یه قصّص
نون بیار کباب ببر بازی سادس
اگه تو ساده بگیری زندگی رو
نه تو میبری نه من این فال قهوس

نقاشی

بوم نقاشی من خالی یه
سبک نقاشی من عالی یه
حتی این دست به قلم نبردنم
سبکی از آدم پوشالی یه
فکر من کشیدن یه آسمون بود واسه تو
فکر تو رهایی از قفس من
قفسی که رو بوم من خالی از پرنده بود
نقش آسمون واسه پریدن پرنده بود
ولی هرگز اون پرنده توی نقاشی من نقشی نشد
شایدم فکر من از کشیدنش یه نقشه بود
تو درست فهمیدی
در اون قفس تو نقاشی من بسته نبود
فکر من کشیدن پرنده بود
که تو آسمون رویا بپره
یا شاید میخواستم اون پرنده رو شکار کنم
تو قفس اسیر کنم
تو درست فهمیدی
من میخواستم با یه گل بهار کنم

بوم نقاشی من خالی یه
سبک نقاشی من عالی یه
نه دیگه پرنده ای نه آسمونی نه قفس
سبکی که برای تو باعث خوشحالی یه
حالا تو بیا بشین فکری واسه پرنده کن
واسش آسمون بکش
قفسا رو بشکن و رهایی رو تو زنده کن
تو درست فهمیدی
آسمون فقط واسه پریدن پرنده نیست
می تونه حقه باشه
واسه پر بستن این پرنده‌های بی گناه
تو درست فهمیدی

زن

من زنم من یه زنم
زیر تیغ این نگاها هی دارم جون می‌کّنم
من یه عروسک قشنگم پشت ویترین مغازه
قصه‌ی خریدنم رو نمی‌گم چون این یه رازه
می‌دونی تو می‌دونی چرا زخمی تنم
اگه عاشق باشم انگار که تمام بودنم
مادرم من مادر فردای فرزند شما
من زمینم یه زمین پاکم و بی انتها
کسی که منو می‌خواد باید آسمونی باشه
واسه‌ی بچه‌ی من پدر مهربونی باشه
من زنم من یه زنم زیر تیغ این نگاها نمی‌خوام جون بِکّنم
من زنم من یه زنم شما می‌گین که ساده لوحم اگه حرفی نمی‌زنم
نمی‌دونین که با سکوتم قصر غرور و می‌شکنم

عشق زن شنیدنی نیست
حسّ یه زن گفتنی نیست
پای قصشون بشینین
تا ببینین دیدنی نیست

دکلمه:
(وقتی من مادر میشم یه محبت الهی ریشه میکنه تو تمام تارو پودم
وقتی من مادر میشم باغ بهشت میشه تمامی وجودم)

من زنم من مادرم هدیه‌ی محبوب شما
من زنم یه مادرم مخلوق زیبای خدا

شام غریبان

من شام غریبانم بر سر کوی تو
من چه غریبانه میخوانم درآرزوی تو
من زِ رهت ماندم
همه تنم زخمی
بار سفر بستی عزیزم
چقدر تو بی رحمی
منکه مستم کشته مرا این بت پرستی تو
بت پرستم کشته مرا این خود پرستی تو
من که مستم هر چه هستم با تو هستم و بس
بت پرستی خود پرستی منشاءِ هستی تو

تحمل

خیلی دوستِ دارم اما
تحملت برام سخته
همه سنگا سر راه
پای این نگون بخته
هر کی گفت دوسَم داره دیدم که قصدش آزاره
بجای پل میون ما همیشه قفل و دیواره
نصیحتی برات دارم
میدونم این برات سخته
غرور کاذبت شاید
نصیب من بدبخته
هر کی گفت دوسَم داره دیدم که قصدش آزاره
بجای پل میون ما میشه قفل و دیواره
چقدر سختی چقدر سردی
منو، تو مبتلا کردی
با یه دهن کجی رفتی
نمیخوای دیگه برگردی

تنهایی

تنهایی هامو دیدی
به داد من رسیدی
تو نیمه‌های راهت
از عشق من بُریدی
خستگی هاتو دَر کن
کاری باهات ندارم
وقتی خودت بخوای باز
سر رو شونت میذارم

پرسه

هر چی بخوای همون میشم
هدف فقط رسیدنه
خودت می‌دونی که دلت
کبوتر جلد منه
دل داره پر پر می‌زنه
تو کوچه‌ی دلواپسی
بسه دیگه خسته شدم
تو کِی به دادم می‌رسی؟
ذهنم دوباره پُره از
هَوای سرد بی کسی
هِی از خودم می‌پرسیدم
پس کِی به دادم می‌رسی؟
انگار نه انگار قلب من به خاطر تو می‌زنه
خودت می‌دونی که دلت کبـــوتـر جـلد منه
تو داری پرسه می‌زنی
تو کوچه‌های خاطرم
ولی میخوام باور کنی
خیلی تو رو دوسِت دارم

پشیمون

پشیمونم از این وحشت
پشیمونم از این حسرت
پشیمونم پشیمونم
پشیمونم از این تنهایی ممتد
پشیمونم از این اصرارِ بیش از حد
برای عاشقت بودن
برای عاشقت کردن پشیمونم
نجاتم داد عشق تو ولی حالا
گرفتار یه مجنونم
از این زندون عاشق کُش گریزونم
تو زندان بان و من دیوونه‌ی زنجیری
این بند زندونم
من از زندون عشق تو هراسونم
از این احساس بیش از حد پشیمونم

ایران

ای مادر دلبندم
من به عشق تو پابندم
پیمان وفاداری
با بیگانه نمی‌بندم
تا جان به تنم دارم
از بهرِ تو می‌مانم
ای میهن من ایران
از صبرِ تو می‌خوانم
این لاله‌های سرخ در دامنی پُر چین
پُر کرده میهن را از عشقی عطر آگین
گر جان به تن دارم از لاله‌های توست
جایی برای من در لحظه‌های توست
مُردن برای تو، این افتخار ماست
شیرین ترین لحظه، دل کندن از دنیاست
ای مادر دلبندم
به عشق تو پابندم
من زاد ه‌ی الوندم
چون کوه دماوندم

دریای خزر

لب دریای خزر **منو از یادت نبر**
عید امسالم بیا **با هم بریم سیزده به دَر**
لب دریای خزر **منو با خودت ببر**
دل دیوونه ی من **با تو میاد به این سفر**
لب ساحل جای پات **عطر خوب خاطرات**
هنوزم خوب یادمه **برق ناز اون نگات**
توی جنگل لب دریا **تو شبای پر ستاره**
اگه تو باشی دل من **دیگه غصه ای نداره**
تو همیشه تازه هستی **توی قلب من نشستی**
تو با خنده‌های شادت **دل غصه رو شکستی**
توی جنگل لب دریا **تو شبای پر ستاره**
اگه تو باشی دل من **دیگه غصه ای نداره**
تو خودت گفتی که من نمیتونم از تو بگذرم
اون همه خاطره رو نمیتونم از یاد ببرم
بیا تا خاطره‌ها رو دوباره تازه کنیم
توی این هوای تازه عشق و اندازه کنیم
توی جنگل لب دریا **تو شبای پر ستاره**
اگه تو باشی دل من **دیگه غصه ای نداره**

عید

دوباره عیده و شادی
تو باز دل به کی دادی ؟
نمی‌شه روت حساب کرد
چون تو حذب بادی

امسال با کی رفتی لب دریا
با یاد تو موندم تک و تنها
عجب رسم عجیبی داره دنیا
عجب رسم عجیبی داره دنیا

از عیدای هر سال تو جنگلای گیلان
چقدر خاطره داریم از شمال ایران

دوباره عیده و شادی
تو باز دل به کی دادی ؟
نمی‌شه روت حساب کرد
چون تو حذب بادی

فاصله

یه من یه تو یه فاصله
دیگه نمونده حوصله
دیوارا هی قد میکشن
زندگی بی تو مشکله
تموم نمیشه بی کسی
تو کی به دادم می‌رسی؟
کجا دیگه پیدا کنم
به غیرِ تو هم نفسی
عزیزمی عزیزمی
بخاطر تو میشکنم
تموم این فاصله‌ها رو
بی تو فریاد میزنم
عزیزمی عزیزمی
به خاطر تو میشکنم
منّت نمیذارم، خودم
عاشق این شکستنم

خسته

لحن صدای خسته پنجره‌های بسته
انگار نشون نمیده غم تو دلش نشسته
تموم خاطراتشو با یه خطا شروع کرد
خورشید عاشقیش از همون روزا طلوع کرد
تو کوچه‌های قلبش گلا همه پرپره
تو باغ خاطراتش یه شاخه نیلوفره
یه روزی روزگاری قفل دلش شکست و
یه ماه پیشونی اومد توی دلش نشست و
دیگه خبر ندارم از حال و روزگارش
ماه پیشونی سیاه شد توی شبای تارش
لحن صدای خسته پنجره‌های بسته
انگار نه انگار کسی اینجا دلش شکسته

دروغ بگو

دروغ بگو دوسَم داری
شاید که باورم بشه
تو این روزای ناخوشی
دلم به این چیزا خوشه
من با تو شوخی ندارم سر به سرت نمی‌ذارم
فقط بگو دوسَم داری منم بگم دوسِت دارم
خیلی عزیزی واسه من عزیز تر از خود منی
دلم شکسته میدونم شکسته‌ها رو میشکنی
دروغ بگو دوسَم داری
شاید که باورم بشه
تو این روزای ناخوشی
دلم به این چیزا خوشه
سر به سرت نمی‌ذارم کاری به کارت ندارم
قصه تموم میشه ولی من تا ابد دوسِت دارم
دروغ بگو دوسَم داری
شاید که باورم بشه
تو این روزای ناخوشی
دلم به این چیزا خوشه

من واسه تو

من واسه تو خیلی کمم
انگار نه انگار آدمم
من سازِ تو دستای تو
زخمه بزن تو بر تنم
اول این قصه که بود
خواستم بشی تو مرهمم
توی این لحظه‌ی آخر
می‌نویسم برات کمم
تو از اول می‌دونستی
همیشه عاشقت منم
کاش می‌دونستم که یه روزی
زیر پاهات میشکنم
من واسه تو خیلی کمم
انگار نه انگار آدمم
من سازِ تو دستای تو
زخمه بزن تو بر تنم
تو کوهی و من دامنه این سرنوشت بودنه
هر جا بری من با تو اَم این اقتضای خواستنه

بی تو

خونه سرده بدونِ تو گُل من
رفته و بی تو برنمی گرده دل من
هر جا که باشی یاد تو هستم خاطره هات با منه
دلم به عشقت قید بهار و میزنه
باغ دل من خزون تاره گُل من
ابرای چشماش داره می‌باره این دل من
نگو خدافظ بی تو اسیره لحظه هام
نگو خدافظ بی تو میمیره لحظه هام
هر جا که باشی یاد تو هستم خاطره هات با منه
انگار نمیشه دلم از عشقت دل بِکنه
بگو خدافظ سکوت و بشکن گُل من
غبار این غم هرگز نمیره از دل من

تو خیانتکاری

تو خیانتکاری خیانتکاری تو خیانتکاری خیانتکار
مثل یه روباه اومدی تو خونم
خونه ی این دل این دل دیوونم
هر چی که داشتم با خودت بردی
حتی غم اشکامو نخوردی
تو خیانتکاری خیانتکاری تو خیانتکاری خیانتکار
چجوری دلت اومد تنهام بذاری
خودتو یه لحظه جای من نذاری
با این دل تنهام که نموندی
ریشه‌ی این عشق و تو سوزوندی
همه خاطره‌ها رو جا گذاشتی
توی باغ قلبم گُل غم و کاشتی
فکر کردی اگه بری از پیشم
از نبودنت دیوونه میشم
تو خیانتکاری خیانتکاری تو خیانتکاری خیانتکار

من می‌بخشمت خدام تو رو ببخشه
توی سرت پر از بازی و نقشه
زخمت موند رو دلم یادگاری
برو ولی دیگه اسممو نیاری
جوونی هام صندوقچه‌ی خاطره
خودت خواستی همه چی از یادم بره
شکستن دل رسم روزگاره
برگشتنت دیگه فایده نداره
زخمت موند رو دلم یادگاری
نمی‌خوام دیگه اسممو بیاری
من می‌بخشمت خدام تو ور ببخشه
توی سرت هنوز بازی و نقشه
تو خیانتکاری خیانتکاری تو خیانتکاری خیانتکار

عروسک

من واست حکم عروسک و دارم
که با هاش روز و شباتو سر کنی
نه یه عشقی که بخوای بخاطرش
شبتو با یاد اون سحر کنی
باز بازی عروسکی
رویای خوب کودکی
دست من و دامن تو
چه اتفاق کوچکی
من واست حکم عروسک و دارم
یه عروسک قشنگ شیشه ای
تو واسه من یه بتی از جنس عشق
یه غریبه از یه شهر دیگه ای

آرزو

آرزو داشتم تو باشی
اما خودت خواستی نباشی
فکر نمی‌کردم به قلبم
بذر نفرت و بپاشی
آرزو داشتم عزیزم
بذر امید و بپاشی
فکر نمی‌کردم جدا شی
قسمت دلم نباشی
حیف من که پات نشستم
حیف من که غصه خوردم
حیف من که بی اراده
با تو موندم، بی تو مُردم
نباید غصه میخوردم
نباید به پات میموندم
حتی این آخر قصه
نباید برات می‌خوندم
هر چی بود باد هوا شد
ولی قلبم مبتلا شد
بعد رفتن تو یادت

یه غریب آشنا شد
خواستی که تنهام بذاری با عکس خالی
خودتو زدی به مرز بی خیالی
خیالی نیست رفتی برو، خدانگهدار
فقط عکستو از این ثانیه بردار
با خودت ببر به هر جایی که میخوای
باز میگم رفتی برو، خدانگهدار
دونه دونه دونه‌های اشکم می‌چکه رو گونه
دونه دونه دونه‌های اشکم از چشام روونه
تنهام گذاشتی با یه عکس خالی
حتی نمونده از تو یادگاری
تو مثل ابری که تو قاب چشمام
اشک می‌شی و آروم آروم می‌باری
دونه دونه دونه‌های اشکم می‌چکه رو گونه
دونه دونه دونه‌های اشکم از چشام روونه
حیف من که پات نشستم
حیف من که غصه خوردم
حیف من که بی اراده
با تو موندم بی تو مُردم

عشق من ۱

برو گمشو عشق من دیگه نمی‌خوام ببینمت
اگه حتی گل بشی دیگه نمی‌خوام بچینمت
تو لیاقت نداری حتی بخوام نگات کنم
باید آرزو کنی که من یه روز صدات کنم
دیگه همه چی تموم شد
عمر منم حروم شد
وقتی تو با من بودی
جهنم آرزوم شد
حالا بی خیال این حرفا میشم
می‌شینم امروز و فردا میکنم
توی این دنیا یکی رو مثل تو
یا که بهتر از تو پیدا میکنم
دیگه همه چی تموم شد
عمر منم حروم شد
وقتی تو با من بودی
جهنم آرزوم شد

حس عاشقانه

پُرم از حسی که انگار
میخوام از خود تو باشم
میخوام از هر چی که هستم
میخوام از خودم رها شم
اِنقد از تو پر شَم این بار
که خودم نیاد به یادم
ای دلیل بودن من
من به عشقت تکیه دادم
نازنین ترانه‌ی من
حسِّ عاشقانه‌ی من
از شروع این ترانه
تو شدی بهانه‌ی من

آسمون

آسمون آسمون
دنیای من سیاهه
خورشیدت کجا مُرده ؟
حوضم بدون ماهه
دنیای سرد من
دنیای بی بهاره
ابرای چشم من
اشکی نداره که بباره
اینهمه ستاره رو
تو این شب تیره و تارم
می‌سپرم به دست تو
چاره‌ی دیگه ای ندارم

قُمری

ای آسمون ببار
ای شب زده نمیر
آه ای خدا نذار
تا من بشم اسیر
من قُمری ام ولی
سرخابی تنم
تو باغ خاطرت
هی پرسه می‌زنم
ای باغبون من
تو باغ من بمون
شاخه نبات من
هر شب غزل بخون
من قُمری ام ولی
سرخابی تنم
تو باغ خاطرت
هی پرسه می‌زنم

آدرس

میخوام به جایی برسم
که آخر نجابته
آخر کوچه‌ی صفا
که آخر صداقته
خونمو با چی حک کنم
تو کوچه باغ زندگی
حوصله اصلاً ندارم
اگه میخوای چیزی بگی
تو پیچ و تاب زندگی
با یه طناب رها شدن
با تجربه‌های غلط
ملّق و کلّه پا شدن
میخوام بجایی برسم
که آدرس و بلد باشم
اول جاده‌ی خدا
نقشه‌ی عشق و بکشم

بودن و نبودن

انگلیسی فارسی بشه

کاشکی تو عادت میکردی

که به عشق من نخندی

با صداقت آشنا شی

دل به دل من ببندی

آرزوی رفته از دست

که دیگه بر نمی‌گرده

بین بودن و نبودن

زندگی همین نبرده

عروسکم

عروسکم خسته شدی
هم بغض دلتنگی من
حالا بیا یکی یکی
فاصله‌ها رو خط بزن
عروسک کوچیک من
همدم قلب کوچکم
تو رو میخوام که محرمی
باشی برای کودکم
لالایی شبای من
برای تو یه مرهمه
دنیای کودکم ولی
بدون تو جهنّمه
عروسکم عروسکم
هم بغض دلتنگی من
بیا دوباره تو شب و
ستاره‌ها رو خط بزن

میخوام دوباره صبح بشه
تو هم چشاتو وا کنی
به کودک خسته‌ی من
با حوصله نگا کنی
کودک من به غیر تو
کسی رو باور نداره
شب که میشه اون سرشو
رو شونه‌ی تو میذاره
کودک من همبازیِ
سکوت زیبای تو اِ
با زبون بی زبونی
میخواد بگه دوستِ داره
عروسکم خسته شدی
هم بغض دلتنگی من
حالا بیا یکی یکی
فاصله‌ها رو خط بزن

قسمت

من هنوزم دوست دارم
با اینکه تو خیالمی
نگو که فایده نداره
آرزوی محالمی
تو عاقبت بُر میخوری
یه روز تو فنجون دلم
می‌افتی توی بازی و
می‌بینی توی فالَمی

قسمتو هیچ کسی نمی‌نویسه
قسمت هر کسی یه خود نویسه

باید خودت رو بوم شب
عکس ستاره حک کنی
باید خودت به ساختن
خدای تازه شک کنی

هیشکی واست عکس قفس نمی‌کشه
هیشکی بجای تو نَفس نمی‌کشه
خودت باید بخوای ... بدونی ... بتونی
اگه نخوای... نمی‌دونی... نمی‌تونی

قسمتو هیچ کسی نمی‌نویسه
قسمت هر کسی یه خود نویسه

عشق من ۲

عشق من بمون همیشه
تو یه اشتباه خوبی
تو یه تصویر قشنگی
تو یه جون پناه خوبی
عشق من بذار بمونم
من یه اشتباه خوبم
من یه دیوار بلندم
من یه تکیه گاه خوبم
عشق من بمون همیشه
عشق من بذار بمونم
بذار این آخر قصه
واسه هر دومون بخونم
عشق من بذار بمونم
عشق من بمون همیشه
نیستی اما این دل من
آخه باورش نمیشه

این روزا

این روزا پرنده ها
بال پریدن ندارن
دیگه دلشکسته ها
حال رسیدن ندارن
پرنده بودم گفتی نپر
پرامو چیدی تو آخر
خونه‌ی من این قفس شد
پیش خودت گفتی چه بهتر
من دیگه پرنده نیستم
تو قفس اسیر تو
دیگه دلشکسته نیستم
نمیشم حقیر تو
این روزا پرنده ها
حال پریدن ندارن
دیگه دلشکسته ها
حال رسیدن ندارن

طلسم

خیلی عزیزی واسه من
که درد تو مال منه
بشکن دلم رو حرفی نیست
دل واسه‌ی شکستنه
طلسم اون چشات شدم
تو هنوزم مال منی
اما نمیشه تا ابد
تو این طلسم و بشکنی
بدون که با خاطره هات دارم تنفس می‌کنم
انگار تمام درد تو توی تنم حس می‌کنم
هر جا میخوای بری برو تا آخرش باهات میام
کاش میدونستی که چقدر دوستِ دارم تو رو می‌خوام
آخر دنیا نشده تو هنوزم مال منی
طلسم تو شدم ولی نشد طلسم و بشکنی
بدون که با خاطره هات دارم تنفس میکنم
انگار تمام درد تو توی تنم حس میکنم

اتفاق ساده

وقتی که شعراتو خوندم
زندگیم زیر و زبر شد
قصّم از حادثه خالی
وقت شعر تازه تر شد
تو یه اتفاق ساده
یه شروع تازه بودی
که با پاهای پیاده
تو دلم افتاده بودی
عشق من یه اتفاقه که داره تازه میفته
تویی اون ترانه ای که هیچ کسی هنوز نگفته
به خدا که گریه‌های شب من شمردنی نیست
فکر میکردم مِهر این دل تو دلت افتادنی نیست
فهمیدم دلت شکستس حال عاشقی نداری
تو کویر خالی دل نمیخوای که پا بذاری
عشق من یه اتفاقه که داره تازه میفته
تویی اون ترانه ای که هیچ کسی هنوز نگفته
تو نفسهای تو خوندم که باید نفس بگیرم
تازه فهمیدم که باید تو هوای تو بمیرم

پرنده جون

پرنده جون غصّه نخور
خیلی خدا مهربونه
پرواز اگه یادت بره
قفس واست فراوونه

پرنده‌ی کوچیک من
خونه‌ی تو این قفسه
تموم آسمونِ ما
سهم کلاغ و کَرکَسه

تو آسمون جات خالیه
قفس تو طلائیه
پرنده‌ی کوچیک من
دنیای بی وفائیه

پرنده جون گریه نکن
بغض خدا می‌ترکه
خدا اگه گریه کنه
از آسمون خون می‌چکه

درمون دردت اشک و آهه
عاشق نبودن اشتباهه
کی گفته از خدا بترسیم
خدا خودش یه تکیه گاهه

خدا عاشق دل شکسته هاس
خدا عاشق دلای بی صداس
خدا عاشق پرنده‌های عشق
خدا عاشق تموم عاشقاس

غرور

غرورمو شکستی
غرورتو میشکنم
دل به غریبه بستی
پوست تو رو میکنم
دل ما دروازه بود
تابلو زدی سر درش؟
- جای شما خالیه -
مین کاشتی دور و برش! ؟
پارکینگ اون قلبتو
گذاشتی یادگاری
که هی بیان و برن
لج ما رو در بیاری؟
شیشه‌ی احساسمو
دستی زدی شکستی
آی آدم حسابی
تو که نخورده مستی!

جلو پا تو نگا کن
پا نذاری رو دلم
طلسم چشمات شدم
بی تو ولی باطلم
رفتی گفتی جهنم
از عشق من بمیره
باطله که باطله
اسیره که اسیره
نفرین به تو لعنتی
برو که رو سیاهی
از اول می‌دونستم
که تو یه اشتباهی

تابوت

ای وای آدمها چقدر سرده
دستای من انگار یخ کرده
ای وای آدمها دلم خونه
از بی کسی‌های فراوونه
ای وای آدمها دلم مُرده
تابوت قلبم رو کسی بُرده
ای وای آدمها منم آدمم
من کودکیهامو که پس دادم!
با یک طلبکاری ازاین دنیا
دنبال قلبم، راه افتادم
ای وای آدمها چقدر سرده
اینبار تمام من یخ کرده
انگار آدمها خدا مُرده
دنیا به رسمِ مرگ بُر خورده

خر گیر آوردی

خیالت خر گیر آوردی؟ اشتباه کردی جونم
هر چی اصرار بکنی دیگه نمی‌تونم بمونم
از همون اولش عشقولا نه‌های زورکی
من دوست دارمای بی خود و زور الکی
اون روزا بچه بودیم نفهمیدیم حالا که چی ؟
عمرمون تلف شده با خیالای آبکی
بیا تا دیر تر نشده جدا بشیم از هم دیگه
رها از این فکر و خیال رها بشیم از غم دیگه
انگار که از یه آب و گِل نبودیم ما از اولم
تو خربزه بودی و من یه شیشه پر از عسلم
تو منو خوب شناختی و منم که خوب شناختمت
بیخودی اصرار میکنی برو به خدا می‌سپارمت

به جهّنم

به جهنم به جهنم که دلم پیش تو گیره
به جهنم به جهنم تو نخ چشات اسیره

به تو من عادت نکردم که نکردم
اینو می‌گم که دلم آروم بگیره
انگاری فایده نداره که نداره
می‌ذارم تو هوسِ دلت بمیره
این دل هرزه لیاقت که نداره
بذار چشماشو به راهتو بکاره

به جهنم به جهنم که دلم پیش تو گیره
به جهنم به جهنم تو نخ چشات اسیره

بازنشستگی

باز هم باز نشستگی باز هم بازنشستگی
فصل تازه ای از کتاب زندگی
با ز هم بازنشستگی
بهانه ای برای رفع خستگی
چون پرندگان با بال خستشان
پر می‌کشند تا صعود آسمان
چشمهاشان پر از قصه و غزل
خاطراتشان شیرین تر از عسل
رنگی ازسپیدی بر سیاهیِ شب می‌نگارند
به سوی قله‌های سرنوشت رهسپارند
در نگاهشان موج میزند زندگانی
قلب پاکشان پر از خاطرات جوانی

دیوانه‌ام

با قلب تو بیگانه‌ام
ای یار من، افسانه‌ام
از عشق تو ای یار من
دیوانه‌ام دیوانه‌ام

هر شب عزیزم تا سحر
مهمان صد میخانه‌ام
من بلبل هر باغمو
مرغ هزاران خانه‌ام

تو شمعی و من گِرد تو
پروانه‌ام پروانه‌ام
می‌سوزم از عشق تو و
می‌سوزد این کاشانه‌ام

می‌خندی و حیران شوی
از خنده‌ی مستانه‌ام
رفتی فراموشت شده
آن عهد را دُردانه‌ام

ای کاش ای گل تا ابد
باشی در این گلخانه‌ام

من آن دو چشم مست را
یک شب کنم دیوانه‌ام

افسانه‌ام ریحانه‌ام
دیوانه‌ام پروانه‌ام

سحر

ای روشن ای سحر
ای عشق بی خطر
ای جام بی ریا
ای مست رهگذر
بی تو که نمی‌میرم
آتش که نمی‌گیرم
با من تو چه کردی عشق
کز زندگی‌ام سیرم
ای یارب من یارب
من از همه دلگیرم
اما چه کنم بی عشق
بی روح و زمین گیرم

ابر

تو آسمون عشقت ابر سیاه و سردم
گفتم که بارون میشم میرم و بر می‌گردم
وقتی که بارون شدم آسمونت سیاه بود
بین من و تو اما یه چیزی اشتباه بود
آواره زمینی شدم که لِه شم اونجا
زیر پای آسمون ... زیر پای آدما
وقتی که بر می‌گشتم ساده سبک مثل آه
با گرمی نگاهت مُردم ، این بود اشتباه
فکر کرده بودم اگه تموم شه روز دوباره
برگردم از رو زمین واست میشم ستاره
ولی بِدون عزیزم من آلوده‌ی جبرم
من از دیار بارون من از دیار ابرم
بخار میشم دوباره سمت تو برمیگردم
دوست داشتنو دوست دارم
من اشتباه نکردم

من آدمم

ببین منم، من آدمم
رنگ قفس شده تنم
می‌خوام خودم باشم ولی
باور نمیکنم منم
تو روزگار بی کَسی
قلب شکستم یخ زده
می‌خوام خدا یه دستشو
به دست سرد من بده
ببین منم قناریم
آره همون فراریم
فراری از قفس ولی
تنهای تنها جاریم
می‌رم به دریا برسم
یا که بشم مرداب پیر
یا جاری میشم مثل رود
یا روی این زمین اسیر
خدایا دستمو بگیر
ببر به شهر آینه
اونجا که هر کَس خودشو

تنهای تنها می‌بینه
فقط یه نردبون می‌خوام
تا برسم به آسمون
خورشید بشم طلوع کنم
تو لحظه‌های سردمون
راه فراری ندارم
مثل پرنده تو قفس
تنهای تنها می‌مونم
من می‌میرم بی همنفس
دلم هنوز دریایی نیست
مرداب پیره رو زمین
انگار خودم شدم ولی
باور نمی‌کنم ... ببین

مث من باش

هنوز از داغ نفسهات خوب من
آسمون قلب من آفتابیه
بذا تا غرق ستاره‌ها بشم
چون دلم مثل دلت مهتابیه
کفتر جلد دلت شدم دیگه
پشت بومی تو نذاشتی بپرم
از رو بوم برجک چشمای تو
جای دیگه ای ندارم که برم
من گرفتار تو دیوونت شدم
اگرم بگی برو من نِمیرم
کفتر تنهای شهرم آشیونم خالیه
با تو پر میشه دوباره قلبی که پوشالیه
یه چیزی نگو که با چشمای تو قهر بکنم
بذا تا نوازش نگاتو باور بکنم
مث من باش مث من ساده و بی ریا و پاک
مث آب و مث باد و مث آتیش، مث خاک
هنوز از داغ نفسهات خوب من
آسمون قلب من آفتابیه
بذا تا غرق ستاره هات کنم
چون که چشمات مثل ماه مهتابیه

ساقه‌های گندم

پُر از اتفاق سادم
با همه دوز و کلکهام
حسّ جاری شدن تو
می‌شکفه تو دو تا پلکام

من چه بی ریا صدامو
به ترانه هات سپردم
دلمو ستاره بارون
تا شب چشم تو بُردم

همه‌ی دوز و کلکهام
واسه این بود که تو باشی
نه اینکه بگی دروغگو بهم و
ازم جدا شی

بی تو پوسید مو مُردم
مث ساقه‌های گندم
شدم اتفاق تازه
توی طعنه‌های مردم

عشق من شد مث گندم
بهونه واسه گناهت
اگه آدم باشی
دست ور میداری از اشتباهت

همه‌ی دوزو کلکهام
واسه این بود که تو باشی
نه اینکه بگی دروغگو بهم و
ازم جدا شی

چادر چشمات

میشه تو چادر چشمات بمیرم ؟
توی امواج نگاهت دوباره جون بگیرم؟
تن تو مثل یه داغه
که میمونه رو تنم
خیالت مثل یه باغه
که میرم توش میشینم
تو صدات چهچه بلبل روگُلاس
همه میگن دیونس سر به هواس
ولی من عاشق اون چشم سیاتم میدونی
من نمک گیر نگاه بیگناتم میدونی
من میخوام زندگیمو به زیر پاهات بریزم
اما یک شرطی داره، بیا قبول کن عزیزم
باید اندازه‌ی قلبت منو دوست داشته باشی
عشقمو مثل جوونه تو دلت کاشته باشی
برق چشمات یه ستاره تو شباس برای من
اشک تو شبنم پاک رو گُلاس برای من
بذا تو چادر چشمات بمیرم
توی امواج نگاهت دوباره جون بگیرم

پرستار

وقتی تو پرستاری پرستاری که بیمارت منم
وقتی که تو بیماری بیماری پرستارت منم
آری گرفتارت منم
مشتاق دیدارت منم
آسمان اگر خیزد خون ریزد از عشقم کم نشه
یارم بیمارم تویی
یارم پرستارم تویی
آخر گرفتارت منم
هر لحظه بیمارت منم
اگر تو مرا خواهی چه نخواهی من طالب تو
دیگر بیش از این ما را نکن رسوا نکن شیدا
که میخواهم شوم صاحب تو
خال کنج لبت رویت ابرویت گیسویت مرا کرده فنا
آخر چرا ای بی وفا ؟
کردی تو قصد جان ما ؟
رفتی شدی از ما جدا
تو رو سپردم به خدا
وقتی تو پرستاری پرستاری که بیمارت منم
وقتی که تو بیماری بیماری پرستارت منم

اسیر بی قفس

سکوت میکنم بیا
تو واژه‌ها رو خط بزن
و عشق اگر گناه بود
تو عاشقا رو خط بزن

کبوترای بی گناه
اسیر بی قفس شدن
اگر نفس کشیدن اشتباه بود
اسم خدا رو خط بزن

سیاه شدیم سیاه شدیم
دوباره بی خدا شدیم
قسم به قلب آسمون
مثل خدا تنها شدیم

خدا رو کشتیم که خدا
عشق بود و عشق خود گناه
این بوده اشتباه ما
اسیر بی قفس شدن
عاشق بی هوس شدن

تو خط خطی این شبا
تکلیف مشق عشق ما
این شد که دوباره خدا
نوشت تو سرنوشت ما:

آی آدمای بیگناه
عاشق بی هوس بشین
دوباره با یک اشتباه
اسیر بی قفس بشین

آدمک

توی خیس جاده ها
پای همه مسافرا
به گِل نشسته می‌بینی؟
نمی‌تونیم بگیم چرا

ما میخواستیم یه ذره
نم نم بارون بزنه
بهار بیاد خزون بره
این رویای تو و منه

نمیخوام از خون بخونم
از شب و بارون بخونم
میخوام ازسایه‌ی عشق
توی دلامون بخونم

تو شوره زار زندگی
مترسکیم عروسکیم ؟
آخرشم نفهمیدیم
آدمیم یا آدمکیم!

عقربه‌ها عمرمونو
چه جور به بازی میگیرن
ثانیه ثانیه میرن
لحظه به لحظه میمیرن

فقط میخواستیم یه ذره
نم نم بارون بزنه
کسی بیاد خیمه‌ی عشق و
تو بیابون بزنه

کبود آبی

من زمینی نیستم دریایی ام
زشتم اما عاشق زیبایی ام
بی تو من ، من نیستم ما می شوم
قطره ای هستم که دریا می شوم
من اسیرم در قفس زندانی ام
من اسیر لحظه‌ی ویرانی ام
در کران سرنوشت پر می کشم
در خیالم نقش کفتر می کشم
من که گفتم من زمینی نیستم دریایی ام
نه نگفتم عاشق رنگ کبود آبی ام
من ستاره‌ها رو نشمردم ولی
حدس میزنم خودم سرخابی ام

هنوزم ۱

موزیک یزد واگذار شد

هنوزم راز چشماتو نمی‌دونم

از اینکه عاشقت بودم پشیمونم

منو درگیر احساس خودت کردی

نفهمیدی همیشه گیج می‌مونم

ببین من گیج گیجم پای گیتارم

شبیه قاب عکسی روی دیوارم

خیالم تخته تخته تا تو رو دارم

برای بی تو بودنها عزا دارم

هنوزم راز چشماتو نمیدونم

از اینکه عاشقت بودم پشیمونم

هنوزم دلهره هامو نمی‌بینی

هنوزم پای گیتارم نمی‌شینی

سوختم

من در تو مرده ام
تو درمنی هنوز
ای قلب عاشقم
آرامتر بسوز

چشم از تو برنداشت
چشم من خراب
من سوختم کمی
آرامتر بتاب

خورشید عشق من
در آسمان تو
سیاره‌ی دلم
درکهکشان تو

من آرمیده ام
من تب بریده ام
من آتش تو را
با جان خریده ام

من با تو زنده ام
تو در خیالمی
ای آرزوی من
عشق محالمی

من در تو مرده ام
تو درمنی هنوز
ای قلب عاشقم
آرامتر بسوز

چشم از تو برنداشت
چشم من خراب
من سوختم کمی
آرامتر بتاب

قاب عکس

تو قاب عکس من
یک آدم تنها و غمگینه
که نصف خالی لیوان و می‌بینه
من از دست خودم خستم
من از دست خودم سیرم
تو این دنیای سرگردون
دارم سرگیجه می‌گیرم
تو قاب عکس من
یک آدم تنها و غمگینه
که تصویر خودش رو توی آیینه نمی بینه
تو این بازار بی مهری تو این شهر پر از کینه
به غیر از گل غم گلی نمی‌چینه
تو قاب عکس من یک آدم تنها و غمگینه
که تصویر خودش رو توی آیینه نمی‌بینه
تموم لحظه هاش از زندگی تا مرگ
شده آلوده‌ی این بغض دیرینه

هنوزم ۲

هنوزم حال من خوبه
به چشمم آب می‌کوبم
هنوزم توی رقص شب
تب مهتاب می‌کوبم
هنوزم خسته از اینجا
پر از نا باوری‌هایی
خیالت گم شدی از من
نمی‌دونی که پیدایی
هنوزم عاشقت هستم
واسه من، عشق تو خوبه
تو احساس منو بشناس
که جنسش جنس مرغوبه

خلاصم کن

من از احساس سرشارم
من از عشق تو تب دارم
چرا طاقت نمیارم ؟
چرا طاقت نمیارم؟
خلاصم کن خلاصم کن
از این آیینه‌ی بیدار
از این دیوار
از این تکرار بیزارم
خلاصم کن خلاصم کن
من از دست تو بیمارم
برای امتحان عشق
هنوزم مشق شب دارم
خلاصم کن خلاصم کن
بزن تیر خلاص و تا ببینی
مرگ و کم دارم
خلاصم کن خلاصم کن

بوف کور

چقدر بریزم تو خودم
چقدر دیگه حروم بشم
تا مردن خودم چقدر
هر روز باید تموم بشم
من دیگه از ترانه‌ها قافیه‌ها خسته شدم
مثل یه پرونده بدون متهم بسته شدم
هر چی شکایت میکنم
به هیچ کجا نمیرسم
یه بوف کور کاملم
واسه مرگ خودم بسم
باید خدا کاری کنه
یکی به دادم برسه
اینهمه مردن تو خودم
حروم شدن دیگه بسه

سایه‌ی تو

الهی که سایه‌ی تو از سر من کم نشه
الهی سهم دل من از عشق تو غم نشه
غم نبینی هر جا که هستی اونجا شادی باشه
اون روز نیاد که سهم ما از هم جدایی باشه
بودن تو غنیمته داشتن تو یه نعمته
اینکه دلم پر میزنه برای تو حقیقته
الهی که سایه‌ی تو از سر من کم نشه
الهی ابر عشق تو نصیب عالم نشه
تموم دنیا رو میدم فقط با تو بمونم
تموم دنیای منی، پری مهربونم
بودن تو غنیمته داشتن تو یه نعمته
اینکه دلم پر میزنه برای تو حقیقته

دکلمه:
حالا بیا با من نمون دیگه تنها
دیگه نکن اِنقدر امروز و فردا
بیا دعا کنیم واسه دلای شکسته
بیا پرواز شیم واسه پرای بسته
تموم نکن این قصه رو

تموم نکن این قصه رو
هم غصه‌ی بی ادعا
پای من و وسط نکش
نذار عوض شه این هوا
پای من و وسط نکش
من درسمو خوب بلدم
می‌خوای بری برو، ولی
من تازه از راه اومدم
می‌خوای بجنگی حرفی نیست
برو بجنگ، اما نمیر
مردونه وایسا مثل من
قولی که دادی پس نگیر
این قصه رو تموم نکن
ای همسفر ای همصدا
با من بمون، با من بیا
تو گرگ و میش لحظه‌ها
آتیش عشق و عاطفه
شعله کشیده بین ما
بشکن بت صبوری رو
به یُمن این فاصله‌ها
این فاصله همیشه هست
بین دلِ من و شما
تموم این فاصله‌ها
صدای عشقه به خدا